

دکتر منوچهر خزانی



پروژه‌ی نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

اصل برائت و اقامه دلیل

در دعوی کیفری



پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی



مقدمه

از آنجایی که اثبات جرم و تحقق محکومیت کیفری در هیچ نظام حقوقی بدون وجود دلیل امکان پذیر نیست. لذا بطور یقین دلائل در حقوق جزا نقش اساسی داشته و بلحاظ اهمیت فوق العاده آن، بخش عمده ای از مباحثات علمی در زمینه مسائل کیفری به تحلیل اصول و قواعد آن اختصاص یافته است. در بین قواعد حاکم بر دلائل کیفری آنچه بیشتر به بحث و اظهار نظر علمی انجامیده است، مسأله وظیفه اقامه دلیل در دعوی کیفری است که تلفیق آن در همه موارد با اعمال اصل برائت یا «فرض بی گناهی متهم» در اجرای عدالت کیفری به سهولت امکان ندارد. راه‌های دکترین و رویه‌های قضایی موجود در سطح نظام‌های مختلف

حقوقی معاصر، توانسته روشی منطبق با اصول و موازین حقوق کیفری روز و پذیرا در همه سیستمهای دادرسی فعلی عرضه کند تا نهایتاً یقین و اعتقاد قاضی در تصمیم قضایی دستخوش بی ثباتی نگردد.

مبحث اول

انعکاس اصل برائت و وظیفه اقامه دلیل در قوانین و رویه های قضایی

اصل اقامه دلیل یا به عبارت دیگر وظیفه ابراز دلیل در حقوق مدنی تابع قاعده «البینه علی المدعی...» است و در ضرب المثل رومی نیز به آن *onus probandi incumbit ei qui actori incumbit onus probatio* و یا *dicit* می گویند. به این معنی که وظیفه دلیل آوری به عهده مدعی است. اصل دیگری نیز در تکمیل آن آمده که در اصطلاح لاتین به آن *reus in excipiendo Fit actor* گفته شده و به این معنی است که وقتی مدعی علیه استناد به یک امر دفاعی می کند باید حقیقت آن را اثبات نماید.

قانون مدنی ایران بر همین اساس در ماده ۱۲۵۷ مقرر می دارد:
«هر کس مدعی حقی باشد باید آن را اثبات کند و مدعی علیه هرگاه در مقام دفاع مدعی امری شود که محتاج به دلیل باشد اثبات امر به عهده اوست».

همچنین به موجب ماده ۳۵۶ قانون آیین دادرسی مدنی:

«اصل برائت است بنابراین اگر کسی مدعی حقی یا دینی بر دیگری باشد باید آن را اثبات کند و الا مطابق این اصل حکم به برائت مدعی علیه خواهد شد».

اصل برائت در کلیه نظامهای حقوقی به عنوان یک رکن اساسی در

امر دادرسی اعمال می‌گردد و انعکاس صریح و قاطعانه در حقوق جهانی نیز پیدا نموده است. ماده ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر مصوب ۱۹۴۸ مجمع عمومی سازمان ملل مقرر می‌دارد:

«هر کس که به بزهکاری متهم شده باشد بی‌گناه محسوب خواهد شد تا وقتی که در جریان یک دعوی عمومی که در آن کلیه تضمینهای لازم برای دفاع او تأمین شده باشد جرم او قانوناً محرز گردد».

ماده ۹ اعلامیه حقوق بشر مصوب ۱۷۸۹ مصرح است به اینکه «فرض بر بی‌گناهی فرد است تا وقتی که مجرمیت او اعلام شود». عهدنامه حقوق مدنی و سیاسی مصوب سازمان ملل در ماده ۱۴ و کنوانسیون اروپایی حفظ و حمایت حقوق فرد و آزادیهای اساسی مورخ ۴ نوامبر ۱۹۵۰ نیز به این موضوع صراحت دارد. اصل براءت در قوانین عادی کیفری پیش بینی نشده ولی به عنوان یکی از اصول قوانین اساسی در اکثر کشورها به تصویب رسیده است. به موجب قانون اساسی ۴ اکتبر ۱۹۵۸ فرانسه «فرض بر بی‌گناهی متهم به جرم است تا اینکه قانوناً مجرمیت او ثابت شود». قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصل سی و هفتم بالصراحه اعلام می‌دارد: «اصل براءت است و هیچ کس از نظر قانون مجرم شناخته نمی‌شود مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح ثابت گردد».

در انگلستان قاعده مذکور از یک سری احکام استنتاج شده که مهمترین آن حکم Woolmington صادره در سال ۱۹۳۵ می‌باشد. در متن این حکم آمده «در تار و پود حقوق جزای انگلیسی این نتیجه ارزنده همیشه ملاحظه می‌گردد: کسی که تعقیب متهم را به عهده دارد باید مجرمیت او را اثبات نماید».^۱

رویه قضایی بلژیک طرفدار جدی این اصل می‌باشد و معتقد است قاعده رومی *reus excipiendo Fit actor* که طبق آن طرف دعوی وقتی در

2. John spencer Le droit anglais in Revue internationale de droit pénal, érès. 1er et 2è trimestres, 1992 p.84.

مقام دفاع به امری استناد می نماید باید دلیل آوری کند، فقط در امر مدنی اعتبار دارد و قابل اعمال در دعوی کیفری نمی باشد و در این مواقع حتی اگر متهم استناد به علل رافع مسؤلیت نماید به عهده مقام تعقیب کننده است که دلائل فقدان چنین عللی را ارائه دهد.³

کانادا رعایت این اصل را به عنوان یک حق مسلم متهم در حقوق کامن لا شناخته و در ماده ۱۱ منشور حقوق و آزادیهای کانادایی به آن تصریح نموده است. در یک حکم دادگاه عالی کشور کانادا با استفاده از منشور ذکر شده چنین اعلام گردیده است: «اصل بی گناهی متهم در ارتکاب جرم است و وظیفه ابراز دلیل به عهده دولت می باشد و اقتضا دارد اولاً مجرمیت متهم خارج از هرگونه شک و تردید محرز شود ثانیاً رسیدگی کیفری به یک روش منطبق با دادرسی منصفانه و قانونی انجام پذیرد».⁴

به نظر بعضی حقوقدانان، حقوق جزا حسب ماهیت مربوط به خود، فرض مسؤلیت را به عکس حقوق مدنی نمی پذیرد زیرا مجازات با ضمانت اجرای مدنی تفاوت دارد. مجازات در واقع واجد جنبه های ترهیبی⁵ و ترذیلی⁶ است به علاوه در حقوق جزا هیچ کیفری بدون خطا وجود ندارد.⁷

در ایالات متحده آمریکا محاکمات جنایی با حضور هیأت منصفه انجام می شود. و در مرحله انتخاب اعضای هیأت منصفه متهم حق دارد از کاندید سوال کند آیا اصل برائت را قبول دارد و آیا متهم را تا زمانی که دلیل خلاف آن ابراز نشده بی گناه می داند؟ در صورتی که کاندید این اصول را انکار کند و یا به آن تردید داشته باشد حق انتخاب شدن را ندارد. هیأت منصفه باید سکوت متهم را در دادرسی حق مسلم او دانسته و اقامه دلیل را از وظایف دولت بداند.⁸

در قوانین کشور چین نص صریحی به عنوان اصل برائت وجود

3. Chris van Den Wyngaert Le droit belge in revue international De Droit Penal op. cit. p 105.

4. Pierre Béliveau le Droit canadien in revue international De Droit Penal op. cit, p 117.

5. Afflicive.

6. infamant.

7. Ramses Belnam Le Droit Egyptien, in Revus international De Droit penal op. cit p.162.

8. Leonard l. cavise. le Droit Américain, in revue international De Droit penal. op. cit 168.

ندارد از طرفی حقوقدانان این کشور فرض مجرمیت متهم را مطلقاً قبول ندارند. به اعتقاد حقوقدانان چینی عوامل منطقی بسیار در مساعدت به نفع متهم در قانون وجود دارد مثل: منع اجبار متهم به اقرار و تفسیر دلائل مشکوک به نفع متهم که به این ترتیب تصریح به اصل برائت در قانون زائد و بیوجه بوده و احتمالاً موجب سوء استفاده متهم خواهد شد. به عکس حقوق جزای چکسلواکی که این اصل را در تمامی موارد دادرسی پذیرفته و هیچ استثنایی نسبت به آن قبول ندارد و حتی دلیل آوری در ردّ موارد استنادی متهم را به عهده دادستان و قاضی گذارده است.

مستثنیات مربوط به اصل برائت بر مبنای منافع عمومی و به ویژه رفع و یا تعدیل مشکلات مدعی پذیرفته شده و در مواردی اعمال می گردد که مدعی موظف به اقامه دلیل برای اثبات گناهکاری متهم می باشد، که در این صورت تردید در مجرمیت متهم بسیار ضعیف است. معهذا علیرغم این استثنائات متهم می تواند در دفاع از خود موجبات سقوط فرض مجرمیت را فراهم نماید. نمونه هایی از استثنائات وارده به اصل، در قوانین کیفری و یا در رویه های قضایی دیده می شود که تقریباً در حقوق جزای تمامی کشورها کم و بیش وجود دارد. توجیه بیشتر موضوع در زمینه اصل برائت و استثنائات آن در بررسی وظیفه ارائه دلیل در اثبات عناصر متشکله جرم به عمل خواهد آمد.

مبحث دوم

وجوه اشتراك و افتراق اعمال اصل اقامه دلیل در آیین دادرسی مدنی و کیفری

حقوق کیفری نیز در قواعد دادرسی از اصل اقامه دلیل پیروی کرده اما مفهوم و اهمیت و حدود اعمال آن در دادرسی مدنی و کیفری متفاوت بوده و کاربرد یکسان ندارد. در سیستمهایی که دعوی عمومی توسط دادسرا طرح و تعقیب می شود، اقامه دلیل از وظایف خاص این مرجع

می باشد و مواردی که متضرر از جرم به تبع امر کیفری مبادرت به طرح دعوی نماید دلیل آوری در خصوص ضرر و زیان به عهده مدعی خصوصی خواهد بود. اینک اگر بخواهیم اصل یاد شده را به مثابه آنچه در حقوق مدنی معمول است در امر کیفری نیز اعمال نماییم در واقع دادسرا به عنوان مدعی باید دلائل مربوط به وجود عنصر قانونی و مادی جرم و همچنین انتساب عمل ارتكابی به متهم را ابراز نماید. متهم نیز به نوبه خود هر آینه به یکی از وسایل دفاعی فقدان مسوولیت مثل دفاع مشروع یا اجبار و یا جنون و غیره متوسل شود، ابراز دلیل و اثبات امر به عهده او خواهد بود. در حالی که با توجه به افتراق کلی خصائص مدنی و کیفری، اعمال اصل مذکور در دعاوی کیفری اساساً مقید و مشروط به رعایت اصول و قواعد مربوط به این نظام می باشد. چه آنکه در دعاوی حقوقی طرفین دعوی (مدعی و مدعی علیه) در شرایط برابر و مساوی قرار دارند و هر ادعایی که با انکار طرف مواجه گردد، مدعی باید وظیفه ابراز دلیل را تحمل نماید. اما در دعاوی کیفری موضوع به نحو دیگری توجیه می شود. دادسرا به عنوان مدعی در مقابل متهم (مدعی علیه) حالت خصومت و یا رقابت ویژه خواهان در دعوی مدنی را ندارد بلکه علاوه بر وظیفه کوشش در تحقق بخشیدن به خواست جامعه در تعقیب جرم و تحصیل محکومیت کیفری بزهکار، لزوماً به هنگام کشف جرم و جمع آوری دلائل و به دست آوردن حقایق اعم از اینکه به نفع یا به ضرر متهم باشد بی طرفانه اقدام می نماید.^۹ به علاوه دادسرا و متهم از لحاظ موقعیت در مقابل دستگاه قضایی دارای اقتدار مساوی نیستند. دادسرا از حمایت قوای عمومی برخوردار است. در حالی که متهم از چنین پشتوانه ای بهره مند نمی باشد. به این ملاحظات است که بعضی مؤلفین فرانسوی می گویند عنوان (طرفین) در دعوی کیفری اختصاص به متهم و مدعی خصوصی یا شخص مسوول از لحاظ مدنی دارد و دادسرا طرف

۹. طبق ماده ۲۴ قانون آ. د. ک. ایران «مستتق باید با کمال بی غرضی تحقیقات را نموده در کشف

اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است فرقی نگذارد.»

دعوی به معنی اخص نمی باشد.¹⁰

تفاوت حقوق مدنی و کیفری در اعمال قاعده یاد شده، خصوصاً این است که، در امر جزایی وظیفه ابراز دلیل برای شاکی گاهی مشکل تر و در مواردی آسانتر از وظیفه مدعی در دعاوی مدنی است. در دعاوی کیفری در واقع متهم با تکیه بر اصل برائت یا «فرض بی گناهی» دادسرا (مدعی) را مکلف ساخته که با ارائه دلیل، خلاف آن را اثبات نماید و در صورت فقدان دلیل، متهم هرگز تکلیفی به اثبات بی گناهی نداشته و مبری شناخته می شود،¹¹ از سوی دیگر قاضی کیفری به عکس قاضی حقوقی اختیارات و تکالیف فعالانه وسیعی در کشف وقایع و تحصیل دلائل و تکمیل آن به نفع یا ضرر طرفین (دادسرا و متهم) دارد و در این راستا وظیفه مدعی در اثبات دعوی آسانتر خواهد بود.

نتایج حاصله از اصل برائت که موجب معافیت از ارائه دلیل می شود این است که اولاً متهم موظف به ارائه دلیل بر بی گناهی خود نیست، ثانیاً شک و تردید باید به نفع متهم تفسیر شود (in dubio pro) معنی واقعی این ضرب المثل رومی این است که حکم محکومیت به مجازات باید خالی از هر گونه ظن و تردید صادر شود. و شک و تردید معادل است با یک دلیل مثبت در عدم مجرمیت.¹² به این لحاظ در موارد شروع به جرم در صورتی که عمل ارتكابی را بتوان قابل انطباق به چندین جرم مختلف از لحاظ اهمیت دانست و دلیلی بر انحصار آن به جرم خاص نباشد فرض این است که متهم قصد ارتكاب جرم کم اهمیت تر را داشته است. دامنه نفوذ این قاعده در مقررات آیین دادرسی کیفری آنچنان است که احکام محکومیت غیر قطعی دادگاههای کیفری قابلیت اجرا ندارد چه ممکن است

10. Merle & Vitu, traité de droit criminel, Edition Cujas, Paris, p. 724.

11. قانون آ. د. ک. ایران به این اصول مهم و اساسی توجه خاصی داشته چنانکه حسب ماده ۱۲۵ «بازرس... موضوع اتهام و دلایل آن را صریحاً به متهم نفهم می کند و آنگاه شروع به تحقیق می نماید. سوالات باید مفید و روشن باشد. سوالات تلقینی و اغفال و اکراه و اجبار متهم ممنوع است. چنانچه متهم

از دادن پاسخ امتناع نماید امتناع او در صورت مجلس فید می شود.»

12. Merle & Vitu, op. cit., p. 725.

بی گناهی متهم در مراحل نهایی احراز و حکم صادره نقض گردد. در احکام برائت نیز چنانچه متهم با صدور قرار تأمین کیفری زندانی باشد هر چند حکم صادره مورد اعتراض و تجدید نظرخواهی قرار گیرد متهم بلافاصله باید آزاد شود^{۱۳} از اصل برائت همچنین این نتیجه ناشی می شود که متهم به ارتکاب جرم اعم از اینکه عنوان بزهکار اتفاقی یا تکرار کننده داشته باشد نسبت به آن اتهام بی گناه محسوب می شود تا زمانی که مجرمیت او اثبات گردد. قرار بازداشت که فردی را قبل از تصمیم قضایی به مجرمیت یا محکومیت به مجازات، از آزادی محروم می نماید باید از این قاعده مستثنی گردد. هر چند این استثنا موجب تضعیف اصل برائت خواهد شد اما به حکم ضرورت و لزوم دسترسی مقامات قضایی به متهم در رسیدگی به امر کیفری و امکان اجرای احکام استفاده از این تأمین بطور محدود و تحت ضوابط معین مجاز اعلام شده است.

اعمال اصل برائت یا فرض بی گناهی درباره طبقاتی از مجرمین توسط بعضی مؤلفین قدیم حقوق جزا منع و مورد انتقاد قرار گرفته است. آنریکو فری، یکی از بنیانگذاران مکتب تحقیقی در مورد تکرارکنندگان جرم و مجرمین مادرزادی معتقد به (اصل مجرمیت) به جای (اصل برائت) بوده است به عقیده آنریکو فری، فرضیه مزبور در مورد مجرمین فطری و معتاد و مریض نباید رعایت گردد. ولی در مورد مجرمین اتفاقی می توان آن را پذیرفت. زیرا خطرناک بودن دسته اول بنا بر قواعد انسان شناسی یا از روی سوابق جزایی و بالاخره طبق نظر متخصصان ثابت گردیده و در مورد آنها قبول اصل برائت بی وجه خواهد بود.^{۱۴} اما این نظر مصون از تعرض حقوقدانان معاصر نمانده و معتقد هستند چنین نظریه ای مغایر با حقوق

۱۳. طبق ماده ۳۵۶ قانون آ. د. ک.:

«هرگاه نسبت به متهمی که توقیف است حکم برائت یا تعلیق مجازات صادر شود باید

فوری آزاد گردد هر چند که حکم مورد شکایت فرجامی واقع شود.»

۱۴. دکتر محمدعلی هدایتی به نقل از فری. جامعه شناسی کیفری در آیین دادرسی کیفری، چاپ ۱۳۴۲،

ص ۶۳.

عمومی است و در نتیجه مردود می باشد زیرا تعدد و تکرار جرم قرینه ای بر حالت خطرناک فرد تلقی می شود نه اینکه دلالت بر بزهکاری به جرم انتسابی و مجرمیت او نماید.^{۱۵}

مبحث سوم

اقامه دلیل در مورد عناصر متشکله جرم و مستثنیات آن

حسب قاعده (دلیل به عهده مدعی است) در دعوی کیفری وظیفه دادسرا اصولاً اثبات عناصر تشکیل دهنده جرم (عناصر قانونی، عنصر مادی، عنصر معنوی) است معهداً بعضی قوانین و رویه های قضایی در صورت احراز عنصر مادی اصل را بر مجرمیت متهم قرار داده و دلیل آوری به منظور اثبات حسن نیت و در نتیجه بی گناهی را به او تحمیل نموده اند. در مواردی هم که متهم در دفاع از خود متوسل به یکی از عوامل موجهه می شود حسب بعضی رویه های قضایی و نظریه های مؤلفین حقوق جزا، اثبات ادعا از وظایف او قلمداد گردیده است.

الف- اقامه دلیل بر عنصر قانونی جرم

به موجب اصل قانونی بودن جرم و مجازات عمل ارتكابی وقتی جرم و قابل مجازات است که قبلاً مورد تصویب قانونگذار قرار گرفته باشد. در تعقیب کیفری وظیفه دادسرا به عنوان مدعی این است که در کیفرخواست صادره مواد قانونی که بر اساس آن متهم را قابل تعقیب می داند صریحاً تعیین نماید. به علاوه مواردی که عنصر قانونی جرم به جهتی از جهات زائل می شود و در نتیجه دعوی عمومی ساقط می گردد مثل مرور زمان و عفو عمومی، وظیفه دادسرا ابراز دلیل و اثبات عدم شمول مرور زمان و یا عدم تسری عفو در دعوی کیفری مطروحه می باشد.^{۱۶} لیکن در مورد عوامل موجهه

15. Bouzat & Pinatel, traité de droit penal et de criminologie, tome II, librairie dalloze, Paris 1970 p. 1127.

۱۶. رأی اول آوریل ۱۹۴۱ و ۹ ژوئیه ۱۹۲۱ دیوان کشور فرانسه به ترتیب در مورد مرور زمان و عفو در:

.Encyclopédie Dalloz Pénal, t. 4

مثل دفاع مشروع و یا امر آمر قانونی و نیز معاذیر معاف کننده و یا تخفیف دهنده مجازات که احتمالاً در جریان رسیدگی به دعوی مورد استناد متهم قرار می گیرد اتفاق نظر وجود ندارد. گاهی مقنن اقامه دلیل در اثبات علی که مانع تعقیب کیفری متهم می شود به عهده او گذارده است. مثلاً به موجب ماده ۳۵ مصوب ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱ قانون فرانسه در جرم افترا دلیل اثبات صحت امر نسبت داده شده را به متهم تکلیف کرده است. طبق ماده ۱۱۴ قانون جزای کشور یاد شده که مربوط به جرائم کارمندان دولت نسبت به افراد است تحت شرایطی متهم می تواند از معاذیر معاف کننده مجازات برخوردار شود زیرا در متن ماده مذکور پیش بینی شده است که اگر کارمند دولت عملی مرتکب شود که به آزادی فردی یا حقوق مدنی افراد و یا قانون اساسی لطمه وارد آورد محکوم به مجازات می گردد مگر اینکه اثبات نماید که عمل به امر مافوق انجام شده و دخالت در کار فرد در صلاحیت آن مقام بوده به علاوه حسب سلسله مراتب ناگزیر از اطاعت بوده است که در این صورت از مجازات معاف می شود. و به موجب رأی دیوان عالی کشور فرانسه در این زمینه قضات از ایجاد یا تکمیل دلائل به نفع متهم منع شده اند. " همچنین طبق بند ۲ ماده ۲۷ فرمان دوم نوامبر ۱۹۴۵ فرانسه، در مورد بیگانه ای که به علت ارتکاب جرم حکم اخراج وی صادر شده ولی از آن کشور خارج نگردیده است چنانچه تخلف خود را ناشی از عدم امکان مراجعت به کشور متبوع و یا کشور دیگری بدانند باید برای اثبات این ادعا دلیل بیاورد. این تصمیم مقنن در آرای دیوان کشور نیز انعکاس مثبت داشته است.^{۱۷} اینک باید دید سواى نصوص قانونی که اثبات ادعا را به متهم تکلیف نموده است. در سایر موارد چاره چیست و چه راه حلی ارائه گردیده است؟ مؤلفین و متخصصین در امر کیفری در خصوص وظیفه ابراز دلیل نسبت به رکن قانونی جرم وحدت عقیده ندارند. برخی از آنها (دوندیودووابر، گارو، ویتو) با استناد به قاعده (دلیل به عهده مدعی

۱۷. رأی مورخه ۲۱ اکتبر ۱۹۴۴ دیوان کشور فرانسه، همان مأخذ.

۱۸. رأی مورخه ۲۴ ژانویه ۱۹۶۷ دیوان کشور فرانسه، همان مأخذ.

است) و با اعتقاد به اینکه این قاعده بدون هیچگونه استثنایی در دعوی کیفری نیز به مانند دعوی مدنی اعمال می‌گردد می‌گویند هر آینه متهم به عوامل موجهه جرم مثل دفاع مشروع برای برائت خود استناد کند باید در مقام اثبات این ادعا برآید. بعضی دیگر (ویدال، ماکنول، بوزا، پیناتل، استفانی، لواسور) به عکس معتقد هستند مدعی (دادسرا) نه تنها موظف است وجود تمامی ارکان خصوصاً اعتبار عنصر قانونی را با دلائل کافی اثبات نماید بلکه اثبات فقدان هر علتی که به ادعای متهم موجب زوال مسؤولیت او می‌شود نیز به عهده دادسرا می‌باشد.^{۱۹} مگر مواردی که فرض دفاع مشروع در قانون پیش بینی شده باشد مثل ماده ۳۲۹ قانون جزای فرانسه که دفاع در قبال: مرتکبین سرقت و غارت با خشونت و یا قتل و ضرب و جرح و شکستن حصار محل مسکونی را دفاع مشروع تلقی نموده است.

رویه قضایی فرانسه در این زمینه متفاوت است. برغم اینکه دیوان کشور فرانسه طبق رأی مورخه ۲۴ مارس ۱۹۴۹ نظر مساعد نسبت به متهم داشته و چنین تصمیم گرفته است که در دعوی کیفری دادسرا باید کلیه عوامل تشکیل دهنده جرم و نیز عدم زوال عنصر قانونی در مرور زمان و عفو را اثبات نماید، مع هذا در خصوص عنصر قانونی عوامل موجهه طی آرای متعدد چنین تصمیم گرفته است: اگر متهم در مدافعات خود نتیجتاً عمل ارتكابی را ناشی از دفاع مشروع یا حالت اضطرار عنوان کند قاضی موظف است در مورد این وسیله دفاعی تصمیم لازم را اتخاذ نماید.^{۲۰} مستفاد از آرای ذکر شده این است که در قبال دلائلی که دادسرا علیه متهم در مورد ارتكاب جرم ابراز داشته است طبعاً احساس نامساعدی به ضرر متهم در افکار قاضی ایجاد می‌شود که در این صورت مساعی متهم باید بر آن قرار گیرد که این گرایش سوء در تصور قاضی را به احساس بی‌گناهی مبدل کند

19. Encyclopédie Dalloz Pénal, t. 4.

۲۰. آرای ۹ مه ۱۹۶۲ و ۶ ژانویه ۱۹۶۶ دیوان کشور فرانسه به ترتیب در مورد دفاع مشروع و حالت

ضرورت همان مأخذ.

بنا بر این منافع او در دعوی کیفری اقتضا می نماید که ادعای علل موجهه را با دلائل کافی اثبات نماید^{۲۱} به این ملاحظه بعضی مؤلفین فرانسوی چنین استنباط می نمایند که حسب روئے قضایی اثبات عوامل موجهه مثل دفاع مشروع به عهده متهم می باشد.^{۲۲}

روئے قضایی فرانسه علل غیر قابل انتساب بودن مسؤلیت کیفری (یا عوامل رافع مسؤلیت) مثل اجبار، جنون و غیره را به عوامل موجهه تشبیه نموده در نتیجه وظیفه ارائه دلیل و اثبات این قبیل علل را به عهده متهم می گذارد با اعتقاد به این فرض کلی که فرد دارای تعادل روانی و آزادی اراده می باشد و فقدان آن محتاج به اثبات از سوی متهم خواهد بود که به آن استناد نموده است.^{۲۳} در خصوص معاذیر معاف کننده از مجازات نیز حسب روئے قضایی فرانسه ابراز دلیل به عهده متهم است.^{۲۴}

ب- اقامه دلیل بر عنصر مادی جرم

دلائل مربوط به اثبات عنصر مادی جرم خواه رکن مادی از فعل مثبت مثل قتل، ایراد ضرب، سرقت، مانورهای متقلبانه، اختلاس و غیره تشکیل شده باشد یا فعل منفی مثل بی احتیاطی، بی مبالائی و ترک فعل در بعضی جرائم. همچنین وقتی وجود شرایطی در رابطه بین مجرم و مجنی علیه به رکن مادی صفت مجرمانه می بخشد مثل رابطه خویشاوندی بین مباشر عمل و مجنی علیه در پاره ای از اعمال که قانوناً مجرمانه تلقی شده است، و یا شرایطی که در آن ارتکاب بزه موجب تشدید کیفر می گردد (مسلح بودن بزهکار و یا ارتکاب جرم در شب هنگام و غیره) در تمامی این موارد اقامه دلیل از وظایف دادسرا می باشد.

۲۱. رأی ۱۵ نوامبر ۱۸۴۰ شعبه دیوان کشور فرانسه همان مأخذ.

۲۲. استفانی، لواسور، بولوک، آ. د. ک. برسی دالوز ۱۹۹۰، ص ۳۶.

۲۳. رأی ۲۹ دسامبر ۱۹۴۹ دیوان کشور فرانسه.

۲۴. رأی ۲۲ ژوئن ۱۹۴۴ دیوان کشور فرانسه همان مأخذ.

فرض‌های قانونی در مورد عنصر مادی جرم

برغم اینکه دادسرا موظف به ابراز دلیل در اثبات عنصر مادی جرم است، گاهی قانون، وجود این عنصر را مفروض دانسته و اثبات خلاف آن را به متهم تکلیف نموده است. به عنوان مثال می‌توان قانون ۱۵ سپتامبر ۱۹۴۸ فرانسه در خصوص مجازات جنایتکاران جنگ را نام برد: که به موجب آن تعلق افراد به یکی از گروه‌هایی که توسط دادگاه نظامی نورنبرگ مجرم شناخته شده‌اند، دلیل بر شرکت اعضای آن در تمامی جنایات جنگی منتسب به این گروه است مگر اینکه فرد ثابت کند که عضویت او در گروه مذکور اجباری بوده و یا شرکت در اعمال مجرمانه نداشته است.

طبق قانون گمرکات فرانسه (ماده ۴۱۸) کالاهایی که ورود آنها به کشور فرانسه ممنوع است در صورتی که بدون جریان قانونی وارد شده باشد قاچاق محسوب می‌گردد، قانون، صرف وارد کردن این قبیل کالاها را قاچاق فرض نموده و متهم می‌تواند خلاف آن را با ارائه دلیل ثابت نماید.^{۲۵} همچنین طبق ماده ۲۷۸ قانون جزای فرانسه متکدیان و ولگردانی که حامل اشیای باارزشی بیش از میزان قید شده در آن ماده باشند به مجازات مقرر در ماده ۲۷۶ قانون مذکور محکوم می‌گردند مگر اینکه مأخذ مشروع تحصیل آن را اثبات نمایند. به موجب ماده ۳۳۴ همان قانون در تعریف و تعیین انواع جرم قوادی، وقتی احراز گردد که فردی با یک فاحشه زندگی می‌کند یا وقتی که متهم نتواند منبع درآمد خود را اثبات کند در حالی که ارتباط دائمی با فرد یا افرادی دارد که به فحشا اشتغال دارند به مجازات قوادی محکوم خواهد شد. ناگفته نماند که این موارد از جمله استثنائات می‌باشد.

۲۵. رأی ۱۸ نوامبر ۱۹۴۸ دیوان کشور فرانسه همان مأخذ.

ج- اقامه دلیل بر عنصر معنوی جرم

در مورد عنصر معنوی جرم و وظیفه ابراز دلیل مربوط به آن نظریه ثابتی وجود ندارد به این لحاظ وجود یا فقدان این رکن بزه ارتكابی را به شرطی که فرضیه های قانونی یا وحدت رویه قضایی نباشد حسب مورد از وظایف دادسرا یا متهم و یا مدعی خصوصی می دانند. در حقوق کیفری فرانسه، وظیفه ابراز دلیل در جرائم عمدی اعم از جنحه و جنایی و اثبات قصد مجرمانه در این قبیل جرائم و نیز در جرائم غیرعمدی بی احتیاطی و بی مبالاتی از وظایف دادسرا می باشد ولی در جرائم خلافی صرف ارائه دلیل در مورد رکن مادی تشکیل دهنده جرم، برای اثبات این نوع بزه کفایت می کند و دلیل خلاف آن به عهده متهم است. در خصوص معاونت در جرم، دادسرا مکلف است علاوه بر سوء نیت مباشر، قصد خاص معاون را نیز اثبات نماید. به عبارت دیگر مدعی باید دلائل کافی ارائه دهد به اینکه معاون واقعاً با علم و اطلاع در لحظه ای که کمک و معاونت برای تحقق جرم لازم بوده عمل معاونت را انجام داده است و قاضی باید نحوه احراز این قصد مجرمانه را مستدلاً در تصمیم نهایی خود تصریح نماید.^{۲۶}

در خصوص تقلب در فروش کالا، دیوان کشور فرانسه ثابت کردن اغفال مشتری در وصف و طبیعت و کیفیت کالای فروخته شده و قصد مجرمانه و سوء نیت خاص متهم را در صورتی که قرینه ای بر مجرمیت در میان نباشد از وظایف دادسرا تلقی نموده است.

فرض های قانونی در رابطه با عنصر معنوی

قانونگذار در بعضی جرائم، دادسرا را برای اثبات عنصر معنوی (سوء نیت) از ارائه دلیل معاف نموده است. مثلاً به موجب ماده ۳۵ قانون ۲۹ ژوئیه ۱۸۸۱، چاپ و انتشار و تکثیر مطلبی که افترا آمیز باشد، جرم است و سوء نیت مرتکب در آن قانوناً مفروض است و همچنین بند ۳ ماده

۲۶. رأی ۱۱ نوامبر ۱۹۲۱ دیوان کشور فرانسه همان مأخذ.

۳۵۷ قانون جزا در مورد ترک انفاق بیش از دو ماه و ماده ۳۳۱ قانون مجازات در جرم منافی عفت نسبت به مجنی علیه صغیر و ماده ۳۵۶ همان قانون مربوط به ربودن صغار که در تمامی این موارد مقنن فرض را بر ارادی و عمدی بودن فعل گذارده و وجود عنصر معنوی را ثابت می‌داند.^{۲۷}

فرض‌های رویه قضایی در رابطه با عنصر معنوی

علاوه بر قانونگذار رویه قضایی فرانسه نیز فرضی در ارتباط بین عنصر مادی و معنوی برقرار کرده است. در این موارد به محض اینکه، عنصر مادی احراز شود فرض بر این است که رکن معنوی وجود داشته است. این فرض در واقع مساعد و به نفع دادرسی خواهد بود و بار دلیل اثبات عنصر معنوی جرم را از دوش آن مرجع برمی‌دارد به عنوان مثال در فرانسه به ماده ۳۳۴ قانون فوریه ۱۹۸۱ مربوط به تحریک صغار به عیاشی، و یا جرم ضرب مسکوکات تقلبی موضوع مواد ۴۲۵ به بعد قانون می‌توان اشاره کرد که اصولاً قصد مجرمانه مرتکب باید توسط دادرسی اثبات گردد ولی دیوان کشور معتقد است با احراز عنصر مادی جرم، قصد مجرمانه مفروض است و به عهده متهم خواهد بود که حسن نیت خود را اثبات نماید.^{۲۸}

در خصوص جرم افترا علاوه بر فرض قانونی، رویه قضایی فرانسه هم بر این نظر متکی است که افترا وقتی جرم است که عمداً و با سوء نیت ارتکاب یافته باشد و با احراز عنصر مادی سوء نیت یا عنصر معنوی جرم نیز ثابت است، مگر اینکه متهم با ارائه دلیل، حسن نیت خود را اثبات

۲۷. دیوان کشور فرانسه به موجب رأی ۳۰ ژانویه ۱۹۸۹ معتقد است این قبیل فرض‌ها با کنوانسیون اروپایی حقوق بشر در مورد اصل براهت متهم مغایر نمی‌باشد. استفانی، لواسور، بولوک. آ. د. ک.، همان مأخذ، ص ۳۹.

۲۸. رأی ۲۷ ژوئن ۱۹۶۷ و اوّل فوریه ۱۹۱۲ دیوان کشور فرانسه همان مأخذ.

نماید^{۲۹} نظیر این آرا در مورد جرم خیانت در امانت^{۳۰} و جرم تقلب در آثار هنری و ادبی موضوع ماده ۴۲۵ قانون مجازات آن کشور نیز ملاحظه می‌گردد.^{۳۱}

رویه قضایی فرانسه در مورد ارتکاب جرم ناشی از اجبار نظر نامساعد نسبت به متهم داشته زیرا ابراز دلیل در مورد ادعای اجبار را به عهده متهم می‌داند. دیوان کشور مذکور اجبار را در حقوق جزا به فورس مازور (قوه قاهره) در حقوق مدنی تشبیه نموده فلذا معتقد است، همانطور که در حقوق مدنی در صورت استناد مدعی علیه به فورس مازور باید برای اثبات آن دلیل بیاورد، اقامه دلیل بر وجود اجبار در امر کیفری نیز از وظایف متهم است.^{۳۲}

رویه قضایی، اثبات جنون در لحظه ارتکاب جرم را که از عوامل غیر قابل انتساب می‌باشد به عهده متهم می‌داند. دیوان کشور فرانسه حتی حکم دادگاه کیفری را که در آن وکیل متهم تقاضای معاینه روانی موکل خود نموده لیکن دادگاه این تقاضا را نپذیرفته، نقض نموده است.^{۳۳}

نتیجه

اصل برائت، به عنوان یکی از اصول مهم و پیشرفته و ثابت در دعوی کیفری شناخته شده که علاوه بر مقررات بین المللی، در قوانین کلیه کشورها، به ویژه قوانین اساسی به صور مختلف پیش بینی گردیده است. قاعده کلی وظیفه مدعی در ارائه دلیل، که در امر مدنی بی قید و

۲۹. رأی ۱۲۷ اکتبر ۱۹۳۸ و رأی ۱۲ فوریه ۱۸۹۱ دیوان کشور فرانسه همان مأخذ.

۳۰. آرای ۴ ژوئیه ۱۹۷۲ در احکام متعدد دیگر دیوان کشور فرانسه، همان مأخذ.

۳۱. رأی ۴ مه ۱۹۶۱ دیوان کشور فرانسه، همان مأخذ.

۳۲. رأی ۲۹ دسامبر ۱۹۴۹ دیوان کشور فرانسه، همان مأخذ.

۳۳. در رأی ۹ دسامبر ۱۹۴۹ دیوان کشور فرانسه چنین استدلال شده: «قاضی نمی‌تواند معاینه روانی تقاضا شده از طرف متهم را با این استدلال که به نظر می‌رسد متهم از لحاظ روانی از قوای عقلانی برخوردار است، نپذیرد.»

شرط اعمال می‌گردد، در دعوی کیفری منوط به رعایت نتایج مربوط به اصل یاد شده می‌باشد. دلیل آن تمایز بین مختصات ویژه دعوی مدنی و کیفری می‌باشد. اقتدار خاص دادسرا به عنوان (مدعی) و امکان استفاده او از قوای عمومی در مواقع لازم و دیگر تضمین‌های استثنایی اقتضا دارد که وظیفه ابراز دلیل با رعایت قواعد مربوط با دادسرا باشد. تفسیر موسع اصل برائت منطبق با موازین کیفری درباره متهم به عنوان (مدعی علیه) اعمال شود تا از این راه بین حقوق طرفین دعوی در دستگاه عدالت تعادل و موازنه مطلوب ایجاد گردد.

هیچ یک از نظام‌های حقوقی فعلی، اعم از کشورهای بیرو سیستم کامن‌لا و سایر کشورها خود را بی‌نیاز از اصل برائت ندانسته‌اند و اعمال آن در امر دادرسی به صورت یک قاعده آمره و تکلیفی محسوب گردیده است. رویه قضایی در نقض تصمیمات مراجع قضایی که خلاف آن عمل کرده‌اند بهترین مستند اعتبار و اهمیت اصل یاد شده می‌باشد.

در دعوی کیفری فرض گناهکاری یا مجرمیت مغایر با فلسفه حقوق جزاست. مسؤولیت کیفری در محدوده تفسیر مضیق محتاج به دلائل کافی است، در رسیدگی به امر کیفری قانوناً قاضی مکلف به تفهیم اتهام و دلائل آن به متهم است (ماده ۱۲۵ قانون آ. د. ک). بدیهی است تفهیم اتهام نیاز به تخصص و احاطه و تسلط کامل به حقوق کیفری و قوانین و موازین قضایی دارد. تشخیص و تمیز و انطباق عمل ارتكابی با قانون جزا از وظایف قاضی تحقیق و دادرس است. چه بسا اشتباه در این مهم موجب رهایی بزهکار واقعی و یا برعکس سلب آزادی متهم بی‌گناه گردد.

تفهیم دلائل نیز با وجود آن ملازمه دارد. در صورت فقدان دلیل احضار و جلب و اخذ هر نوع تأمین کیفری منع قانونی داشته و موجبی برای تعقیب کیفری وجود ندارد.

استثنائات وارده به اصل برائت کم و بیش در قوانین جزایی همه کشورها وجود دارد، معهذا گرایش بعضی قانونگذاران به افزایش آن (مثل قوانین کیفری فرانسه) به تدریج از اعتبار و اقتدار اصل مذکور آنچنان که

قوانین اصلی به آن ارجح داده است می‌کاهد و کم‌کم فرض‌های قانونی مجرمیت، جایگزین اصل بی‌گناهی یا برائت می‌گردند.

اندیشه‌های علمی روز دائماً معطوف به تدوین قوانینی مطلوب برای استقرار یک دستگاه قضایی است که بتواند در تحقق بخشیدن به عدالت و ایجاد تعادل بین حقّ جامعه در تعقیب بزهکار و حقّ فردی که در مظان اتهام است ضمن یک دادرسی بی‌طرفانه و منصفانه مؤثر و مفید باشد. نکات اساسی مورد بحث در محافل بین‌المللی حقوق جزا و جرم‌شناسی ناظر به نکته دقیق و مهمی است که جهان امروز در مهار کردن جنایتکاری به آن نیاز دارد. تدوین قوانین بدون توجه به سیاست جنایی روز و بدون ملحوظ نظر قرار دادن اعتقادات هر جامعه وافی به مقصود نخواهد بود. تأمین امنیت قضایی به اجرای دقیق قانون و احترام به اصول پذیرفته شده در نظام حقوقی آن جامعه بستگی دارد. اگر عدم رعایت اصول و ضوابط قانونی در دادرسی‌ها تحت کنترل کامل مرجع قضایی بالاتر و یا دیوان عالی قرار گیرد و اگر نقض قوانین و تخلف عمده و ارادی از ضوابط آن با اعمال سریع ضمانت اجرای شدید و مؤثر جبران شود حقوق کیفری نیز در پیش تازی تحولات عصر کنونی همگام خواهد بود.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی